Readings and Prayers for the Fourth Sunday before Lent

Collect O God, you know us to be set in the midst of so many and great dangers, that by reason of the frailty of our nature we cannot always stand upright: grant to us such strength and protection as may support us in all dangers and carry us through all temptations; through Jesus Christ your Son our Lord, who is alive and reigns with you, in the unity of the Holy Spirit, one God, now and for ever. Amen.	**دعای شروع مراسم مقدس** خداوندا، تو آگاهی از اینکه ما در میان بسیاری از خطرات بزرگ قرار گرفته ایم، که به واسطه سستی فطرتمان قادر نیستیم همیشه درستکار باشیم: به ما چنان نیرو و حمایتی عطا کن که بتواند ما را در مقابل تمام خطرات حفظ کند و ما را از از میان تمام وسوسه ها بگذراند؛ بواسطه فرزندت و خداوند ما عیسی مسیح، کسی که زنده است و با تو حکومت می کند، در وحدت روح القدس، خدایی یکتا، تا ابدالاباد.
Isaiah 6:1-8, (9-13) In the year that King Uzziah died, I saw the Lord sitting on a throne, high and lofty; and the hem of his robe filled the temple. Seraphs were in attendance above him; each had six wings: with two they covered their faces, and with two they covered their feet, and with two they flew. And one called to another and said: "Holy, holy, holy is the LORD of hosts; the whole earth is full of his glory." The pivots on the thresholds shook at the voices of those who called, and the house filled with smoke. And I said: "Woe is me! I am lost, for I am a man of unclean lips, and I live among a people of unclean lips; yet my eyes have seen the King, the LORD of hosts!" Then one of the seraphs flew to me, holding a live coal that had been taken from the altar with a pair of tongs. The seraph touched my mouth with it and said: "Now that this has touched your lips, your guilt has departed and your sin is blotted out." Then I heard the voice of the Lord saying, "Whom shall I send, and who will go for us?" And I said, "Here am I; send me!"	**اشیاء باب ۶: ۱-۸, (۹-۱۳)** در سالی که عزیای پادشاه درگذشت، خداوند را دیدم که بر تختی بلند و باشکوه نشسته بود و خانهء خدا از جلال او پر شده بود. اطراف تخت را فرشتگان احاطه کرده بودند. هر فرشته شش بال داشت که با دو بال صورت خود را می‌پوشاند، و با دو بال پاهای خود را، و با دو بال دیگر پرواز می‌کرد. آنها به نوبت سرود می‌خواندند و می‌گفتند: "مقدس، مقدس، مقدس است خداوند قادر متعال؛ تمام زمین از جلال او پر است!" صدای سرود آنها چنان باقدرت بود که پایه‌های خانهء خدا را می‌لرزاند. سپس تمام خانه از دود پر شد. آنگاه گفتم: "وای بر من که هلاک شدم! زیرا من که مردی ناپاک لب هستم و در میان قومی ناپاک لب زندگی می‌کنم، خداوند، پادشاه قادر متعال را دیدم!" سپس یکی از فرشتگان بطرف قربانگاه پرواز کرد و با انبری که در دست داشت زغالی افروخته برداشت و آن را روی دهانم گذاشت و گفت: "حال دیگر گناهکار نیستی. این زغال افروخته لبهایت را لمس کرده و تمام گناهانت بخشیده شده است." آنگاه شنیدم که خداوند می‌فرمود: "چه کسی را بفرستم تا پیغام ما را به این قوم برساند؟" گفتم: "خداوندا، من حاضرم بروم. مرا بفرست."
Psalm 138 I give you thanks, O LORD, with my whole heart; before the gods I sing your praise; I bow down toward your holy temple and give thanks to your name for your steadfast love and your faithfulness; for you have exalted your name and your word above everything. On the day I called, you answered me, you increased my strength of soul. All the kings of the earth shall praise you, O LORD, for they have heard the words of your mouth. They shall sing of the ways of the LORD, for great is the glory of the LORD. For though the LORD is high, he regards the lowly; but the haughty he perceives from far away. Though I walk in the midst of trouble, you preserve me against the wrath of my enemies; you stretch out your hand, and your right hand delivers me. The LORD will fulfill his purpose for me; your steadfast love, O LORD, endures forever. Do not forsake the work of your hands.	**مزامیر باب ۱۳۸** ای خداوند، از صمیم قلب تو را سپاس می‌گویم. در حضور خدایان تو را شکر می‌کنم. بسوی خانهء مقدس تو خم شده، تو را عبادت می‌کنم و نام تو را بسبب رحمت و وفاداریت می‌ستایم. بخاطر نام خود، به تمام وعده‌هایی که می‌دهی عمل می‌کنی. هرگاه دعا کنم، جوابم را می‌دهی و به جانم قوت می‌بخشی. ای خداوند، تمام پادشاهان جهان وقتی وعده‌های تو را بشنوند تو را خواهند ستود. آری، آنان کارهایی را که تو انجام داده‌ای خواهند سرایید زیرا پرشکوه و پرجلال هستی. تو متعالی اما به افراد فروتن توجه می‌نمایی و کارهای متکبران از نظر تو پوشیده نیست. خداوندا، هرچند اکنون در سختی هستم، اما تو مرا خواهی رهانید؛ تو دشمنان مرا مجازات خواهی کرد و مرا با قدرت خویش نجات خواهی داد. تو کار مرا به کمال خواهی رساند. ای خداوند، رحمت تو ابدیست. کاری را که آغاز نموده‌ای به کمال برسان.
1 Corinthians 15:1-11 Now I would remind you, brothers and sisters, of the good news that I proclaimed to you, which you in turn received, in which also you stand, through which also you are being saved, if you hold firmly to the message that I proclaimed to you--unless you have come to believe in vain. For I handed on to you as of first importance what I in turn had received: that Christ died for our sins in accordance	**اول قرنطیان باب ۱۵: ۱-۱۱** حال ای برادران، بگذارید بار دیگر حقایق انجیل را بیاد شما آورم، یعنی همان خبر خوشی را که قبلاً به شما اعلام کردم و شما هم آن را با شادی پذیرفتید و اکنون نیز ایمانتان بر همین پیغام عالی استوار است. همین خبر خوش است که اگر واقعاً به آن ایمان داشته باشید، باعث نجاتتان می‌گردد، مگر آنکه ایمانتان واقعی نباشد.

with the scriptures, and that he was buried, and that he was raised on the third day in accordance with the scriptures, and that he appeared to Cephas, then to the twelve. Then he appeared to more than five hundred brothers and sisters at one time, most of whom are still alive, though some have died. Then he appeared to James, then to all the apostles. Last of all, as to one untimely born, he appeared also to me. For I am the least of the apostles, unfit to be called an apostle, because I persecuted the church of God. But by the grace of God I am what I am, and his grace toward me has not been in vain. On the contrary, I worked harder than any of them--though it was not I, but the grace of God that is with me. Whether then it was I or they, so we proclaim and so you have come to believe.	من مهمترین حقایق انجیل را همانطور که دیگران به من رساندند، به شما اعلام کردم، یعنی این حقایق را که مسیح طبق نوشته‌های کتاب آسمانی، جان خود را در راه آمرزش گناهان ما فدا کرد و مرد، در قبر گذاشته شد و روز سوم زنده گردید و از قبر بیرون آمد، همانطور که انبیاء پیشگویی کرده بودند. پس از آن، پطرس او را زنده دید و بعد، بقیهء آن دوازده رسول نیز او را دیدند. سپس او خود را به بیش از پانصد نفر از برادران ما ظاهر کرد، که بسیاری از ایشان هنوز زنده‌اند و بعضی نیز فوت شده‌اند. بعد از آن، یعقوب و همهء رسولان او را دیدند. آخر از همه، من نیز او را دیدم. در واقع، من همچون طفلی بودم که پیش از وقت بدنیا آمده باشد، زیرا من از تمام رسولان کوچکتر هستم، چون بعد از آن بدیهایی که به کلیسای خدا روا داشتم، حتی لیاقت ندارم نام خود را رسول بگذارم. اما اکنون هر چه هستم، بخاطر لطفی است که خدا در حق من فرموده و این لطف نیز بی‌نتیجه نبوده است، چون من حتی بیش از سایر رسولان زحمت کشیده‌ام؛ هر چند که من نبودم که این کارها را می‌کردم، بلکه خدا بود که در من کار می‌کرد و مرا برکت می‌داد. به هرحال فرقی نمی‌کند که من بیشتر زحمت کشیده‌ام یا ایشان. مهم این است که ما انجیل را به شما اعلام کردیم و شما نیز به آن ایمان آوردید.
Luke 5:1-11 Once while Jesus was standing beside the lake of Gennesaret, and the crowd was pressing in on him to hear the word of God, he saw two boats there at the shore of the lake; the fishermen had gone out of them and were washing their nets. He got into one of the boats, the one belonging to Simon, and asked him to put out a little way from the shore. Then he sat down and taught the crowds from the boat. When he had finished speaking, he said to Simon, "Put out into the deep water and let down your nets for a catch." Simon answered, "Master, we have worked all night long but have caught nothing. Yet if you say so, I will let down the nets." When they had done this, they caught so many fish that their nets were beginning to break. So they signalled their partners in the other boat to come and help them. And they came and filled both boats, so that they began to sink. But when Simon Peter saw it, he fell down at Jesus' knees, saying, "Go away from me, Lord, for I am a sinful man!" For he and all who were with him were amazed at the catch of fish that they had taken; and so also were James and John, sons of Zebedee, who were partners with Simon. Then Jesus said to Simon, "Do not be afraid; from now on you will be catching people." When they had brought their boats to shore, they left everything and followed him.	**انجیل لوقا باب ۵: ۱-۱۱** روزی عیسی در کنار دریاچهء جنیسارت ایستاده بود و عده بسیاری برای شنیدن کلام خدا نزد او گرد آمده بودند. آنگاه عیسی دو قایق خالی در ساحل دریاچه دید که ماهیگیرها از آنها بیرون آمده بودند و تورهای خود را پاک می‌کردند. پس سوار یکی از آن قایقها شد و به شمعون که صاحب قایق بود، فرمود که آن را اندکی از ساحل دور نماید تا در آن نشسته، از آنجا مردم را تعلیم دهد. پس از آنکه سخنان خود را به پایان رسانید، به شمعون فرمود: "اکنون قایق را به جای عمیق دریاچه ببر، و تورهایتان را به آب بیندازید تا ماهی فراوان صید کنید!" شمعون در جواب گفت: "استاد، دیشب زیاد زحمت کشیدیم ولی چیزی صید نکردیم. اما اکنون بدستور تو، یکبار دیگر تورها را خواهم انداخت!" این بار آنقدر ماهی گرفتند که نزدیک بود تورها پاره شوند! بنابراین از همکاران خود در قایق دیگر کمک خواستند. طولی نکشید که هر دو قایق از ماهی پر شد، بطوری که نزدیک بود غرق شوند! وقتی شمعون پطرس بخود آمد و پی برد که چه معجزه‌ای رخ داده است، در مقابل عیسی زانو زد و گفت: "سَروَر من، نزدیک من نیا، چون من ناپاکتر از آنم که در حضور تو بایستم." در اثر صید آن مقدار ماهی، او و همکارانش وحشت‌زده شده بودند. همکاران او، یعقوب و یوحنا، پسران زَبدی نیز همان حال را داشتند. عیسی به پطرس فرمود: "نترس! از این پس، مردم را برای خدا صید خواهی کرد!" وقتی به خشکی رسیدند، بی‌درنگ هر چه داشتند، رها کردند و بدنبال عیسی راه افتادند.
Prayer after Communion Go before us, Lord, in all we do with your most gracious favour, and guide us with your continual help, that in all our works begun, continued and ended in you, we may glorify your holy name, and finally by your mercy receive everlasting life; through Jesus Christ our Lord. Amen.	**دعای بعد از عشاء ربانی** خداوندا، قبل اینکه کاری انجام بدهیم تو آنجا باش بواسطه رحمت بیکرانت، ما را با کمک های بی پایانت راهنمایی کن، که همه کارهایمان با تو شروع شود، ادامه یابد و پایان بخشد، نام مقدست را ستایش کنیم، و سرانجام بوسیله رحمتت زندگی جاودان را دریافت کنیم؛ بواسطه خداوندمان عیسی مسیح.

First Reading: Isaiah 6:1-8, (9-13)

A reading from the prophecies of Isaiah

In the year that King Uzziah died, I saw the Lord sitting on a throne, high and lofty; and the hem of his robe filled the temple. Seraphs were in attendance above him; each had six wings: with two they covered their faces, and with two they covered their feet, and with two they flew. And one called to another and said: "Holy, holy, holy is the LORD of hosts; the whole earth is full of his glory." The pivots on the thresholds shook at the voices of those who called, and the house filled with smoke. And I said: "Woe is me! I am lost, for I am a person of unclean lips, and I live among a people of unclean lips; yet my eyes have seen the King, the LORD of hosts!" Then one of the seraphs flew to me, holding a live coal that had been taken from the altar with a pair of tongs. The seraph touched my mouth with it and said: "Now that this has touched your lips, your guilt has departed and your sin is blotted out." Then I heard the voice of the Lord saying, "Whom shall I send, and who will go for us?" And I said, "Here am I; send me!"

در سالی که عزیای پادشاه درگذشت، خداوند را دیدم که بر تختی بلند و باشکوه نشسته بود و خانهء خدا از جلال او پر شده بود.
اطراف تخت را فرشتگان احاطه کرده بودند. هر فرشته شش بال داشت که با دو بال صورت خود را می‌پوشاند، و با دو بال پاهای خود را، و با دو بال دیگر پرواز می‌کرد.
آنها به نوبت سرود می‌خواندند و می‌گفتند: "مقدس، مقدس، مقدس است خداوند قادر متعال؛ تمام زمین از جلال او پر است!"
صدای سرود آنها چنان باقدرت بود که پایه‌های خانهء خدا را می‌لرزاند. سپس تمام خانه از دود پر شد.
آنگاه گفتم: "وای بر من که هلاک شدم! زیرا من که مردی ناپاک لب هستم و در میان قومی ناپاک لب زندگی می‌کنم، خداوند، پادشاه قادر متعال را دیدم!" سپس یکی از فرشتگان بطرف قربانگاه پرواز کرد و با انبری که در دست داشت زغالی افروخته برداشت
و آن را روی دهانم گذاشت و گفت: "حال دیگر گناهکار نیستی. این زغال افروخته لبهایت را لمس
آنگاه شنیدم که خداوند می‌فرمود: "چه کسی را بفرستم تا پیغام کرده و تمام گناهانت بخشیده شده است."
ما را به این قوم برساند؟"
گفتم: "خداوندا، من حاضرم بروم. مرا بفرست."

This is the word of the Lord

Second Reading: 1 Corinthians 15:1-11

A reading from Paul's first letter to the church in Corinth

Now I would remind you, brothers and sisters,
of the good news that I proclaimed to you,
which you in turn received, in which also you stand,
through which also you are being saved,
if you hold firmly to the message that I proclaimed to you—
unless you have come to believe in vain.

For I handed on to you as of first importance what I in turn had received:
that Christ died for our sins in accordance with the scriptures,
and that he was buried,
and that he was raised on the third day in accordance with the scriptures,
and that he appeared to Cephas, then to the twelve.
Then he appeared to more than five hundred brothers and sisters at one time,
most of whom are still alive, though some have died.

Then he appeared to James, then to all the apostles.
Last of all, as to one untimely born, he appeared also to me.
For I am the least of the apostles, unfit to be called an apostle,
because I persecuted the church of God.
But by the grace of God I am what I am,
and his grace toward me has not been in vain.
On the contrary, I worked harder than any of them—
though it was not I, but the grace of God that is with me.
Whether then it was I or they, so we proclaim and so you have come to believe.

This is the word of the Lord